

## حسن مقاره

۱

گره می‌زنی  
نفس می‌گیرد  
می‌گشایی  
نفس می‌گیرم  
می‌بینی!

زندگی‌ام به مویی بند است

سریا داودی حموله

آم

۲

از نیمه‌ی راه برگشت  
دلوی که رفته بود که نیاید،  
پیراهن یوسف را  
پوشید و  
برای تشنگان  
زوزه کشید

دو حرف  
از هرچه هست  
دلالت می‌کند  
بر این پرنده‌ی پنهان  
که ماه کامل است!

سه حرف  
از هرچه نیست  
دلالت می‌کند  
به مردی دوزیست  
که سایه‌ی زن را کشت!

از چهار حرف عشق هیچ نمی‌دانم  
جز ماه  
که با نام‌های تازه  
هر گوشه‌ای از جهان هست و نیست می‌شود!